

تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در سیر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

انقراض سلوکیان - ظهور پارتیان و اشکانیان

جامه در دوران اشکانی: به دنبال صنایع و هنرهای بدیع هخامنشی برای مدت پنج قرن و نیم، فعالیت هنری و تحول آن قطع و پس از آن صنایع ساسانی شروع می‌شود علت آن را می‌توان در تمدن اشکانی جست‌وجو کرد، زیرا این قوم مردمی جنگجو و چادرنشین بودند و حس زیبایی پسندی و خلاقیت هنری آنان پایین‌تر از پارسی‌ها بود.

پارتی یعنی یک مرد جنگی و قوم پارتی یعنی یک اردوی نظامی، بنابراین یک نوع خشونت و سادگی ابتدایی در زندگی، عادات، لباس، ابنیه، حجاری‌ها، موسیقی و ... دیده می‌شود. بنا به گفته برخی از محققین، اگر کوچک‌ترین تغییری نیز حاصل می‌گردید، مبتنی بر تقلید است و به خصوص در نتیجه روابط خوبی که اشکانیان با یونانیان داشتند، تمدن یونانی در صنایع آنها نفوذ کرد. البته هخامنشی‌ها نیز تقلید می‌کردند اما در آن تصرف نیز می‌نمودند و آن را ظریف‌تر و زیباتر می‌ساختند. پارتی‌ها به همان تقلید صرف و خشک بسنده می‌کردند.

تجارت ابریشم با چین در دوران اشکانیان بسط و توسعه یافت. لباس بزرگان، نجباء، شاهزادگان و خانواده سلطنتی از پارچه‌های اعلاء و الوان دوخته می‌شد. تا آن‌جا که اطلاع داریم از منسوجات اشکانی چیزی در ایران کشف نشده ولی بعضی تکه پارچه‌های ابریشمی از زمان اشکانیان در سوریه یافت شده است.

در ناحیه لولان در منتهی‌الیه شرق ایران، چندین تکه پارچه ملیله دوزی شده و قلاب دوزی کشف شده که احتمالاً متعلق به دوران اشکانیان است. مقداری از پارچه‌های به دست آمده متعلق به چین است اما برخی دارای خصایصی هستند که گمان می‌رود مختص قسمت شرقی امپراتوری اشکانی باشد و در بعضی از طرح‌های آن، نفوذ یونان به خوبی نمایان است. نقش یک ملیله دوزی درخت دیده می‌شود که دارای شاخه‌های پیچ در پیچ است و قسمت‌های باز آن را برگ و انگور پر نموده، طرح مرغ خیالی و قوچ نیز گاهی دیده می‌شود.

پژوهش در تاریخ اشکانیان دشواری‌های خاص خود را دارد. یکی از دلایل این امر، نبود داده‌های کافی است به طوری که درباره برخی از دوره‌های تاریخی اشکانی، هیچ‌گونه آگاهی و اطلاعاتی در دست نیست. آگاهی‌های موجود از برخی دوره‌ها نیز بسیار مبهم یا غیرقابل اعتماد هستند. به ظاهر مهم‌ترین منابع تاریخ اشکانی، سفال نوشته‌هایی هستند که غالباً در ترکمنستان به دست آمده‌اند. این کشف در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسان روسی در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۱ صورت گرفته است.

چرم نوشته اورامان سند دیگری است که به‌عنوان یکی از منابع تاریخ اشکانی به شمار می‌رود. این سند در سال ۱۹۰۹ در روستای پلنگان - نزدیک اورامان کردستان - به دست آمد و موضوع آن به ظاهر

مربوط به فروش یک تاکستان است. افزون بر این مجموعه‌ای از چرم نوشته‌ها و پاپيروس‌های به دست آمده، آگاهی‌های ارزنده‌ای درباره سیاست خارجی آن زمان ارائه می‌دهد.

شماری از کتیبه‌های اشکانی که مربوط به دوران اشکانیان هستند؛ اندک و مختصر اما مهم هستند. مهم‌ترین آنها، کتیبه‌ای است که اردوان چهارم برای شهربان شوش نوشته است و اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. دو کتیبه دیگر نقش برجسته سرپل ذهاب در جاده کرمانشاه است. چندین کتیبه دیگر مربوط به دوره پارتیان در مناطق مختلف کشف شده است از جمله نقش برجسته‌های تنگ سروک در جنوب غرب ایران است.

نام سروک و سولک هر دو صحیح است و وجه تسمیه نامگذاری این تنگ به خاطر سروهای زیبای زرین روئیده در آن است. در فارس نامه ناصری از تنگ سولک به نام گردونه سروهای کوچک نام برده شده است. این تنگه به علت موقعیت استراتژیکی در ادوار مختلف تاریخ مورد استفاده حکام دولتی و محلی قرار می‌گرفت.

عرصه آثار فرهنگی موجود در این تنگه به حدود ۸۰۰ هکتار می‌رسد و عرض دهانه ورودی آن حدود ۱۵۰ متر و قسمت بالای تنگه بیش از ۴ کیلومتر تخمین زده می‌شود و همچون اکثر تنگه‌ها حالت قیفی دارد. از حدود ۲۰۰ متر در مدخل تنگ از ابتدای سینه‌کش



پژوهش در تاریخ اشکانیان دشواری های خاص خود را دارد. یکی از دلایل این امر، نبود داده های کافی است به طوری که درباره برخی از دوره های تاریخی اشکانی، هیچ گونه آگاهی و اطلاعاتی در دست نیست. آگاهی های موجود از برخی دوره ها نیز بسیار مبهم یا غیر قابل اعتماد هستند

تازه های بر وقایع دو تن از شاهان نخستین اشکانی افکند. این گنجینه که حاوی بیش از دو هزار دراخته درهم) سکه است در برگیرنده سکه هایی است که بیشتر تنها چند نمونه منفرد از آنها به طور پراکنده شناخته شده بود. بنابراین نمی توانست اساس تصمیم قرار بگیرد.

این سکه ها، اشک را به شکل یک جنگجوی سکایی با کمانی در دست و کلاه بی لبه مشهور به «ساتراپال» بر سر نشان می دهند. نوشته های دوروی سکه ها نیز به دو زبان و خط یونانی و آرامی است اما آن چه بیش از همه چیز، توجه بیننده را به خود جلب می کند، گرایش به فرهنگ هخامنشی و ایستادگی در مقابل هلنیسم یا یونانی مآبی است.

استفاده از خط آرامی، نشانه ادامه سیاست فرهنگی هخامنشی است. با این حال تا زمانی که اسناد تازه ای پیدا شود باید به همین آگاهی ها با احتیاط تکیه کنیم. بر این اساس فرمانروایی اشکانی که توسط ارشک و برادرش تیرداد در سال ۲۴۷ قبل از میلاد بنیان گذاشته شد، در حدود پانصد سال دوام یافت. در این مدت شش تن از چهل تن از خانواده اشکانی فرمانروایی کردند در حالی که همگی خود را به نام بنیانگذار سلسله، ارشک یا اشک نامیدند.

نکته قابل توجه آن که جایگاه فرمانروایی این سلسله ویرانه های شهرک های یونانی یعنی نواحی نسا، ابرود، دارا و دیگر نواحی ایران شرقی بود و همان نقشی را ایفا کردند که حدود ۳۰۰ سال پیشتر، شهرهایی مانند شوش، انشان و پاسارگاد در ایران غربی و در ایجاد شاهنشاهی هخامنشی ایفا کرده بودند.

سلوکیان یکی از رقبای قدرتمند اشکانیان به شمار می رفتند. در همین ایام، سلوکوس دوم، بر تخت

کرده اند. آنها گزارش داده اند که پارتیان پاره ای از قبیله پونی و آنها نیز شاخه ای از سکاها بوده اند. آن طور که از این گزارش برمی آید، پرنی ها میان جیحون و دریای خزر از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ می کردند و اساس دولت پارت را تشکیل می دادند. آنان در کرانه های جیحون یا آمو دریا می زیستند. در زمان اسکندر به صورت صحرائشینی زندگی می کردند اما از اواخر قرن چهارم پیش از میلاد قبیله پرنی از دیگر قبایل داهه جدا شدند و به سوی مغرب و ناحیه خزر مهاجرت کردند.

طبق منابع هخامنشی و یونانی، سرزمینی که خاستگاه اشکانیان بود، پیش از آمدن این قوم، «پاراسوا» خوانده می شد. ظاهراً از دوران کهن، این سرزمین شهرت داشته و آشوری ها در حدود ۷۰۰ قبل از میلاد از آن یاد کرده اند. از جمله در گزارشی که از یورش آسارهادون به این نواحی در دست است، از سرزمین پارتاکا نام برده شده است. این سرزمین بعدها احتمالاً بخشی از ماد شد که توسط کوروش بزرگ - موسس شاهنشاهی هخامنشیان - فتح شد.

فرمانروایی ارشک یا اشک اول و تأسیس حکومت اشکانی (۲۴۷ قبل از میلاد)

در سال ۲۵۰ قبل از میلاد، دومین نبرد اقوام پرنی به سرپرستی ارشک با سلوکیان آغاز شد. آنها در همان سال به شهر نسا واقع در دره رود اترک آمدند. آندروگوراس فرمانده پارت بود و سرانجام به دست ارشک برکنار و کشته شد. پژوهشگران برآنند که نام او نشان از یونانی بودن وی دارد. چندی بعد در سال ۲۴۷ قبل از میلاد، پرنی ها در آن جایگاه در شهرکی به نام «آساک» گرد آمدند و ارشاک / اشک را به پادشاهی برگزیدند. پس از آن جانشینان ارشاک این تاریخ را سرآغاز فرمانروایی اشکانیان اعلام کردند.

منابع یونانی و رومی؛ غالباً، به شرح عملیات نظامی پرداخته اند و اشاره ای به حوادث واقعی دولت اشکانی نکرده اند اما گنجینه عظیم شکه های دو اشکانی نخستین، یعنی اشک یک و دوم که چندی پیش در شاحد رود اترک در شمال ایران کشف شد، پرتو

صخره ای بلند که صعب العبور است، جاده سنگ فرش زیبایی ساخته شده است و عرض آن ۱ تا ۳/۵ متر است و تا حدود ۷۰۰ متری ادامه دارد. این جاده سنگ باستانی که به جاده شاهی معروف است، بنا به گفته گیرشمن و دیگر محققان راه ارتباطی بین خلیج فارس، خوزستان و اصفهان بوده است. در وسط تنگه در میان دو کوه دره ای عمیق مشهود است که در سمت چپ (شمالی) آن از پای کمرکش کوه تا لب دره آثار دیوار سنگی قدیمی وجود دارد و از بالای صخره ای که کمرکش آن جاده سنگ فرش درست شده است، آثاری از محل دیده بانی، جان پناه و استراحت نگهبانان در بالای صخره و در پای کوه سمت چپ وجود دارد.

جاده سنگ چین و سنگ فرش از میان منطقه ای سنگلاخی و پریچ و خم به درون تنگه ادامه می یابد. در درون تنگه تاکنون ۶ قطعه سنگ نقش برجسته (سنگ نگاره) باستانی با نقوش بسیار زیبا پیدا شده است. نقوش برجسته تنگ سروک صحنه های گوناگونی از آیین های باشکوه باستانی، نمادهای دینی، رزم های سواره نظام و پیاده نظام، تاجگذاری و تاجستانی و گرفتن حلقه قدرت در حضور خدایان، شکار شاهی، تشریفات و خوش آمدگویی را در دل کوهستان برای آیندگان به ودیعه گذاشته است. آثار باستانی تنگ سروک مربوط به دوره اشکانیان و حکومت محلی الیمائیان است. راه سنگ فرش اسبرو، چشمه گوردک و سروهای زرین جلوه ای ویژه ای در این منطقه زیبا به نمایش گذاشته اند. برخی محققان این محل را محراب خدایان کهن و عبادتگاه شکوهمند اقوام الیمایی می دانند.

شاید مهم ترین اسناد مربوط به تاریخ اشکانی، نوشته های سکه های فرمانروایان آن دوران باشد. نوشته های سکه ها در آغاز به زبان یونانی بود اما از نیمه های دوران اشکانی به زبان پهلوی اشکانی تغییر یافت.

معرفی خاستگاه اشکانیان

تاریخ نگاران دوران باستان، درباره خاستگاه اشکانیان به مسافت ها به عنوان شاخه های از سکاها اشاره



تصویر شماره یک- یکی از سکه‌های چهار درهمی منسوب به اشک یکم

لباس شاهان اشکانی در ابتدا ساده و کوتاه بود اما بعدها لباس گشاد و بلند مادی را که تا قوزک پا می‌رسید، تقلید کردند اما باز هم هنگام جنگ، همان لباس کوتاه نظامی را می‌پوشیدند. این لباس تا بالای زانو می‌رسید و به جای تاج، کلاهخودی بر سر می‌گذاشتند و اسلحه آنان از نوع پارتی بود. موی سر و صورت پادشاهان اشکانی، مجعد است و گاهی شکل ریش، مربعی، گاهی مستطیل و گاهی نوک تیز می‌شد. آنان از گردنبند و گوشواره نیز استفاده می‌کردند. پلوتارک در مورد جنگ پارتیان با کراسوس می‌نویسد: «وقتی که اشعه آفتاب به قطعات آهن صیقل یافته پولادین می‌تابید، سواره‌نظام پارتی جلوه و شکوه حیرت‌آوری پیدا می‌کرد.» چنین به نظر می‌رسید که این سوارها، سپر نداشتند زیرا کلاهخود و زره آنان را از سپر بی‌نیاز می‌کرد. در نقاشی‌هایی که از بقایای قصرهای اشکانی به دست آمده، تصویر شاهنشاه و ملکه دیده می‌شود که در زیر سایه چتری نشسته‌اند. صورت آنها به‌طور سه ربع کشیده شده است. لباس پادشاه و ملکه، ارغوانی و رنگ‌های دیگر از قرمز تا بنفش نیز در آن به کار رفته است. در روی تصویر دیگر، نقش خدایان کشته شده که لباس یونانی در بر دارند و روی لباس، تزئیناتی دیده می‌شود. مجسمه تمام تنه مفرغی که در خوزستان پیدا شده، شکل لباس اشکانیان را به خوبی نشان می‌دهد. این مجسمه در موزه ایران باستان تهران قرار دارد و وجود آن برای شناسایی لباس دوره اشکانی بسیار حائز

مهرداد کرد نسا ضرب شده است. بر روی آن نام ارشاک به یونانی حک شده است. پس از ارشک یا اشک یکم، زمام امور به فرزند ارشد او اشک دوم سپرده شد. بنابراین علی‌رغم مشاجراتی که میان پژوهشگران در مورد جانشینی تیرداد صورت گرفته، پژوهش‌های اخیر این باور را رد کرده است و تردیدی بر جانشینی اشک دوم باقی نگذاشته است. به تدریج با ایجاد امنیت و ثبات در حکومت پارت‌ها، هنرمندان و تولیدکنندگان پارچه که در اثر جنگ، کشتار و چپاول، از خانه و کاشانه خود متواری شده بودند و به سرزمین‌های دیگر فرار کرده بودند و جمعی از آنها را نیز اسکندر به یونان و مقدونیه مهاجرت داده بود، به فکر بازگشت و راهاندازی مجدد کارگاه‌های خود افتادند و تولید را از سر گرفتند. لباس پارتی‌ها، مانند پارسی‌ها، قبایی بلند و گشاد بود که در آن زمان معمول مردمان ماد بود. به جای کلاه، چیزی به شکل نوار برگرد سر می‌بستند که دو طرف منتهی به دو رشته دراز می‌شد و یا تیار (تاج) مخصوص پادشاهان هخامنشی بر سر می‌گذاشتند. موهای ریش را می‌پیچانده و مجعد می‌کردند. هنگام جنگ، سلاح آنها کلاهخودی از فولاد صیقلی بود. تاج پادشاهان اشکانی چنان که از مسکوکاتشان دیده می‌شود، در ابتدا کلاه کوتاه مخروطی شکل سکایی بود و بعد نیم تاجی که عبارت بود از نوار پهن که دور سر می‌بستند و دو سر آن از پشت آویزان بود. شاید از زمان مهرداد اول به بعد، شاهان اشکانی تیار بلند و راست هخامنشی را انتخاب کردند.

لباس پارتی‌ها، مانند پارسی‌ها، قبایی بلند و گشاد بود که در آن زمان معمول مردمان ماد بود. به جای کلاه، چیزی به شکل نوار برگرد سر می‌بستند که دو طرف منتهی به دو رشته دراز می‌شد و یا تیار (تاج) مخصوص پادشاهان هخامنشی بر سر می‌گذاشتند

پادشاهی نشست اما گرفتاری‌های او با بطلمیوسیان در غرب، محل توجه بیشتر را به او نداد و همین امر موجب شد که شهریان آنان به نام آندروگوراس در پارت دست به شورش بزند و اعلام خودمختاری کند. مدتی نگذشت که دیودوت نیز در بلخ اعلام خودمختاری نمود. به این ترتیب شرایط سقوط سلوکیان مهیا شد. ارشک توانست با ایجا اتحاد میان خاندان خویش و قدرت عناصر بانفوذ محلی به استحکام دولت اشکانی بیفزاید، سپس با غلبه بر سلوکوس و دیگر عمال سلوکی، بخش اعظم ایالت پرتوه را تصرف نمود. در همین زمان ارشک، توانست اساس فرمانروایی اشکانی را پی‌ریزی نماید اگرچه حدود قلمرو و مدت زمان فرمانروایی ارشک برای ما روشن نیست اما برخی شواهد نظیر جایگاه تاج‌گذاری ارشک در آرساک بیانگر این نظریه است که قلمرو بنیانگذار سلسله اشکانیان تا عمق استپ‌های شمالی ایران گسترده بود. از سوی دیگر بنابر شواهد موجود می‌توان به خوبی دریافت که ارشک از محبوبیت فراوانی در میان بستگان، طرفداران و فرماندهان خویش برخوردار بوده است، به طوری که توانست به ایجاد دولتی توانمند نایل آید. دولتی که به مدت دو سده با سلوکیان و دیگر مدعیان حکومت به ستیز بپردازد و سرانجام از بوته آزمایش، پیروز بیرون آید. ظاهراً همین دلیری‌های و تدابیر ارزشمند ارشک یکم موجب شد تا جانشینان و شاهان پس از او، با افتخار نامش را به دنبال نام خود بیفزایند.

در تصویر شماره یک، یکی از سکه‌های چهار درهمی منسوب به اشک یکم دیده می‌شود که احتمالاً در



در نقاشی‌هایی که از بقایای قصرهای اشکانی به دست آمده، تصویر شاهنشاه و ملکه دیده می‌شود که در زیر سایه چتری نشسته‌اند. صورت آنها به‌طور سه ربع کشیده شده است. لباس پادشاه و ملکه، ارغوانی و رنگ‌های دیگر از قرمز تا بنفش نیز در آن به کار رفته است

دوستدار سنن ملی خویش بودند، به سوی پارتیان گرایش یافتند.

پارتیان در عین حال از تعصب بی‌جا بسیار دور بودند. از این رو ساکنان شهرهای یونانی، هنگام تسلط پارتیان، تغییری جز تعویض حکمرانان احساس نکردند. بعضی از پژوهشگران در مورد سرکشی پارتیان می‌نویسند که ارشک، نخستین فرمانروای پارتی از شهربانان یونانی باختری بود که شورید، به سوی مغرب گریخت و دستگاهی مستقل برای خود ترتیب داد. سواران پارتی که در جنگ و گریز مهارت داشتند، مرگ در میدان جنگ را افتخار بزرگی می‌دانستند. ارشک و تیرداد به کمک پارتیان، موفقیت‌هایی کسب کردند و چند ناحیه را به تصرف خود درآوردند.

سلوکوس دوم برای جلوگیری از گسترش این نهضت، با قوای خود حرکت کرد اما تیرداد با سواران سکایی عقب‌نشینی کرد. اغتشاشات و آشفتگی اوضاع انطاکیه سبب گردید که پادشاه سلوکی قبل از پایان کار تیرداد، عملیات جنگی را ترک گفته و راه سوریه را پیش بگیرد. پارتیان از این پیشامد به نفع خود استفاده و غیر از نواحی قبلی، گرگان و مناطق واقع در جنوب دریای خزر را ضمیمه متصرفات خود کردند و تیرداد با حمایت معنوی سکنه بومی ایرانی، ۳۷ سال سلطنت



تصویر شماره ۲- مجسمه مفرغی سردار پارتی

اهمیت است. لباس این مجسمه عبارت است از یک کت ساده کوتاه با یقه باز و بدون دکمه که از بالا تا پایین در قسمت داخلی پاجین‌های افقی دارد، تا قوزک پا رسیده و روی مچ پا را کاملاً پوشانده است. به عقیده یکی از ایران‌شناسان غربی، از دلایل اساسی موفقیت و پیروزی پارت‌ها، می‌توان به حمایت ملی اشاره کرد که در سرزمین سلوکیان سکونت داشتند. پارتیان یا از نژاد خالص ایرانی و یا قومی ایرانی مآب با زبان و آداب ایرانی بوده و از آیین مزدایی پیروی می‌کردند. آنها به‌عنوان کین خواهان پارسی‌ها قدم به میدان گذاشتند و ایرانیانی را که پایبند آداب و رسوم ملی بودند به سوی خویش جلب نمودند. به علت نفوذ محدود آداب یونانی در ایران، اکثریت توده مردم که

نمود اشکانی‌ها به باری و پشتیبانی بزرگانی که مانند خود آن‌ها از تیره ایرانی شمالی داهه بودند، با سربازگیری و لشکرکشی، نخست بر بخش پارت چیره شدند و پس از آن به گشودن سراسر ایران پرداختند و دولت ایرانی تازه‌ای به وجود آوردند و باز هم آداب و آیین هخامنشی و ایرانی را رواج دادند. قدرت نخست از غرب و جنوب‌غربی به سوی شمال کشور، جابجا شد و مردم آن‌جا (شمال شرق) صفات ایرانی را پاک‌تر نگه داشته بودند؛ بنابراین دولت اشکانی با وجود رنگ یونانی اندکی که داشت، از دیدگاه ایرانی بودن حتی پاک‌تر از دولت هخامنشی بود. آنچه‌ان که از زنجیره رویدادها و حرکت اشکانی (به ویژه مهرداد یکم) برمی‌آید، سیاست آنان زنده نمودن شکوه گذشته شاهنشاهی هخامنشی بوده است.



تصویر شماره ۳- حجاری دیواری برجسته یک شاه اشکانی و یکی از رعایا (مطابق کتاب فلاندن و کست)